





دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه اسلامی

انسان شناسی ابن سینا

استاد راهنما:

دکتر فروغ السادات رحیم پور

استاد مشاور:

دکتر مهدی امام جمعه

پژوهشگر:

افسانه لاجینانی

آبان ماه ۱۳۹۲

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق
موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.

به رسم ادب و احترام

خدای خویم را سپاس می گذارم

و بوسه می زنم بر دستهای خسته‌ی پدرم و مادرم و قلبهای مهربانشان را می ستایم

تشکر می کنم از

زحمات بی دریغ و دلسوزانه استاد راهنمای عزیز و بزرگوارم خانم دکتر فروغ السادات رحیم پور

و استاد مشاور بسیار محترم و شریف آقای دکتر مهدی امام جمعه

و ممنونم از رفیق خوب روزهایم، همسر مهربانم

تقدیم به خدا

جانشین تمام نداشته هایم...

باشد که هیچ گاه مرا به حال خود

نگذارد...

چکیده:

در آثار ابن سینا هیچ مبحث مستقلی تحت عنوان انسان شناسی وجود ندارد اما شناخت زوایای گوناگون وجود انسان، نزد او از جایگاه ویژه ای برخوردار است و در اکثر آثارش نمود یافته و مباحث فراوان و فصول و بخش‌های مختلفی را به این مسئله اختصاص داده است. در نظام فلسفی او انسان موجودی حادث است که هم نفس مجرد و هم بدن مادی او با افاضه عقل فعال ایجاد می‌شوند. نفس از همان ابتدا از حیث ذات، مجرد و هم افق با عقول مفارق است اما از حیث فعل مادی و نیازمند ابزارهای جسمانیست. رابطه نفس و بدن رابطه ای بی بدیل است: نفس مدبر بدن و فاعل اصلی همه افعال انسان است و بدن، ابزار منحصر به فرد فعل نفس در حیات دنیوی و واسطه فعلیت یافتن قوا و توانمندی‌های آن است. مطابق اکثر آثار ابن سینا، انسان حیات متقدم بر حیات دنیوی ندارد و ازلی نیست اما نفس مجردش، ابدی است و بر خلاف بدن که با مرگ از بین می‌رود نفس فنا نمی‌پذیرد و جاودانه است. ارتباط انسان با موجودات دیگر - اعم از موجودات مافوق، هم عرض و مادون او - نقش مهمی در حیات دنیوی و اخروی او دارد و در سایه همین ارتباط پای واجب‌الوجود به عنوان علت موجه انسان؛ و عقول و افلاک به عنوان واسطه های فیض؛ و زندگی اجتماعی انسان که بیانگر ارتباط انسان با هموعانش است به مبحث ما باز می‌شود. در این پژوهش سعی بر آن داشته‌ایم تا با بررسی آثار مختلف فلسفی، طبی و عرفانی ابن سینا زوایای مختلف انسان را مورد بررسی قرار دهیم تا به انسان شناسی از منظر او نائل شویم. این بررسی به سه مقطع مختلف حیات پیشین و مقدم بر حیات دنیوی (مطابق برخی از آثار ابن سینا)، حیات دنیوی و حیات اخروی می‌پردازد و تأثیر و تأثر میان انسان با سه دسته از موجودات را بررسی می‌کند: موجودات برتر از انسان یعنی واجب‌الوجود، عقول، افلاک و کواکب؛ موجودات هم عرض انسان یعنی انسان‌های دیگر و موجودات مادون انسان یعنی اجسام و موجودات مادی دنیوی اعم از حیوانات، نباتات و جمادات.

کلید واژه:

انسان شناسی، نفس انسانی، ابن سینا.

فهرست مطالب:

عنوان

صفحه

فصل اول: کلیات و مقدمه طرح تحقیق	2
۱-۱: شرح و بیان مسئله پژوهشی	2
۲-۱: پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق	3
۳-۱: اهداف تحقیق	4
۴-۱: اهمیت و ارزش تحقیق	4
۵-۱: کاربرد نتایج تحقیق	4
۶-۱: فرضیات و پرسش‌ها	4
۷-۱: روش تحقیق و مراحل آن	5
۸-۱: کلید واژه	5
۹-۱: مقدمه	5
فصل دوم: ابعاد وجودی انسان	10
۱-۲: نفس	10
۱-۱-۲: جایگاه بحث نفس و انسان شناسی در نظام فلسفی سینوی	10
۲-۱-۲: تعریف نفس و اقسام آن:	11
۳-۱-۲: اثبات نفس:	13

..... ۱۷	۲-۱-۴: خصایص نفس ناطقه:
..... 36	۲-۲: بدن:
..... 40	۲-۳: رابطه متقابل نفس و بدن
..... 40	۲-۳-۱: دوگانگی نفس و بدن:
..... 43	۲-۳-۲: تعلق نفس به بدن:
..... 44	۲-۳-۳: واسطه میان نفس و بدن:
..... 46	۲-۳-۴: تأثیر و تأثر متقابل نفس و بدن:
..... 49	۲-۳-۵: عدم زوال نفس با زوال بدن:
..... 50	۲-۳-۶: خواب، فعل مشترک نفس و بدن:
..... 51	فصل سوم: آغاز و پایان حیات انسان
..... 51	۳-۱: مبدأ و سرآغاز حیات انسان:
..... 52	۳-۱-۱: اعتقاد به حادث یا قدیم بودن نفس، قبل از ابن سینا
..... 54	۳-۱-۲: حادث بودن نفس و بدن در نظام سینوی:
..... 56	۳-۱-۳: شواهدی بر اعتقاد ابن سینا بر قدم نفس:
..... 58	۳-۲: پایان حیات دنیوی و آغاز حیات در جهان آخرت
..... 58	۳-۲-۱: مرگ:
..... 63	۳-۲-۲: بقا و جاودانگی نفس:
..... 67	۳-۲-۳: معاد
..... 67	۳-۲-۳-۱: تعریف معاد و وجوب آن
..... 68	۳-۲-۳-۲: نفی تناسخ
..... 70	۳-۲-۳-۳: معاد جسمانی است یا روحانی؟
..... 71	۳-۲-۳-۴: عمومیت و فراگیری معاد و اقسام انسان‌ها در آن
..... 74	۳-۲-۳-۵: ثواب و عقاب؛ و سعادت و شقاوت انسان
..... 78	۳-۲-۳-۶: استکمال نفس پس از مرگ
..... 81	فصل چهارم: ارتباط انسان با دیگر موجودات

..... ۱-۴: ارتباط با موجودات مافوق	81
..... ۱-۴: ارتباط با واجب الوجود	81
..... ۲-۱-۴: اثبات واجب:	83
..... ۳-۱-۴: اوصاف واجب الوجود بالذات:	84
..... ۴-۱-۴: نحوه ارتباط انسان با واجب الوجود	86
..... ۲-۴: ارتباط انسان با افلاک و عقول:	88
..... ۱-۲-۴: ارتباط با افلاک و کواکب	88
..... ۲-۲-۴: ارتباط با عقل فعال	90
..... ۱-۲-۲-۴: اثبات عقل فعال از طریق نیازمندی نفس ناطقه با آن	92
..... ۲-۲-۲-۴: کیفیت اتصال به عقل فعال	93
..... ۳-۲-۲-۴: نقش عقل فعال در امر نبوت	94
..... ۴-۲-۲-۴: تفاوت انسان‌ها	95
..... ۳-۴: ارتباط انسان با انسان‌های دیگر و با موجودات مادون خود	97
..... ۱-۳-۴: زندگی اجتماعی:	97
..... ۲-۳-۴: خانواده:	100
..... ۳-۳-۴: تأثیر و تأثر متقابل میان انسان‌ها	101
..... ۴-۴: ارتباط انسان با موجودات مادون	103
..... نتیجه:	104
..... منابع و مأخذ:	106
..... پی نوشت:	106

فصل اول: کلیات و مقدمه طرح تحقیق

۱-۱: شرح و بیان مسئله پژوهشی

انسان محور بسیاری از مسائل در علوم مختلف است. فلاسفه نیز هر کدام به اقتضای نگرش و نظام فلسفی خود، به انسان توجه بسیاری داشته‌اند و درباره آغاز و انجام انسان، ابعاد مختلفش در طول حیات دنیوی، ارتباطش با دیگر موجودات و... نظرات مختلفی را بیان کرده‌اند.

نگارنده در این تحقیق بر آن است تا با تکیه بر آراء ابن سینا، به بررسی مسئله انسان شناسی وی از دو جهت اصلی بپردازد:

۱: بررسی خود انسان:

الف: توجه به این مسئله که انسان دارای دو جوهر متمایز نفس و بدن است، بدن جوهری مادی است که معتدل‌ترین ترکیب در بین اجسام را دارد و لذا می‌تواند پذیرای نفس ناطقه باشد و نفس ناطقه حقیقت انسان و جوهری غیر محسوس و ذاتاً مجرد است که افعالش از طریق بدن انجام می‌شود. بدن و قوای آن در نفس تأثیر می‌گذارند همان‌گونه که نفس نیز در بدن تأثیر می‌گذارد. ابن سینا نفس را مدبر بدن می‌داند بدون آنکه در آن منطبع باشد. نفس ناطقه نزد وی محل مادی ندارد و روحانیه الحدوث و روحانیه البقاء است؛ به فنای بدن فانی نمی‌شود و باقی به بقای علل مجرد خویش است و نیز بررسی مسائلی نظیر: چگونگی ارتباط نفس و بدن در نزد ابن سینا و تبیین رابطه میان نفس نباتی و نفس حیوانی و نفس ناطقه.

ب: بررسی نحوه زندگی انسان در عالم ماده، قبل از عالم ماده و بعد از عالم ماده یا همان آخرت و پاسخ گویی به این مسئله که از نظر ابن سینا آیا سرآغاز حیات انسان با حیات دنیوی است یا انسان قبل از عالم ماده هم وجود داشته است؟ آیا حیات انسان ابدی است یا با مرگ پایان می‌پذیرد؟

ج: پرداختن به اموری مختص انسان، مانند: سعادت به معنای بهره‌مندی از حد اکثر لذات در کنار خلاصی از رنج‌ها و از سنخ ادراک دانستن حقیقت لذت، شقاوت، مسئله کمال انسان با در نظر گرفتن این مطلب که ابن سینا کمال را عالمی عقلی شدن، درست شبیه عالم عینی و مرتسم شدن صورت کل جهان، در او می‌داند. مبحث نبوت به عنوان رسیدن انسان، به مرتبه ای که بالاترین مرتبه ممکن برای یک انسان به شمار می‌رود و اینکه ابن سینا ضرورت نبوت و نیاز جامعه به آن را از نیازها و ضرورت‌های زندگی اجتماعی انسان به قانون و قانون‌گذار و مجری قوانین می‌داند و صفت اصلی پیامبر را، همان انسانیت او می‌داند، تا بتواند با مردم زندگی کند و با آنها رابطه برقرار کند، سپس معجزه را به عنوان دلیل صدق و راستی وی مطرح می‌کند و اینکه وی معتقد است نبوت نمی‌تواند همیشگی باشد زیرا زمینه ای که می‌تواند صورت نبوت را بپذیرد کم یاب و نادر الوجود است و کسانی که به چنان درجه ای از کمال رسیده باشند، در نفوس انسانی کم هستند و از طرفی دیگر مطرح کردن بحث نزول مرتبه انسان از انسانیت به حدی که به پست‌تر از چهار پایان مبدل شود و اینکه آیا از نظر ابن سینا هم انسان مثال اعلی الهی است؟ و می‌تواند بالاتر از ملائک برود؟ همچنین بررسی این مسئله که جایگاه انسان در بینش دینی ابن سینا و در بینش فلسفی و طبی وی چگونه است و چه پیوندی میان اینها برقرار است؟

۲: بررسی انسان و جایگاه آن در مجموعه عالم :

الف: بررسی رابطه متقابل انسان با موجودات فوق خود شامل : واجب‌الوجود؛ عقول مجرد و افلاک. پرداختن به مسائلی چون: وحی، الهام و دعا در بخش ارتباط انسان و واجب‌الوجود، توجه به نیازمندی نفس برای خروج از قوه به فعلیت و طی کردن مراتب کمال و ادراک معقولات، به عقل فعال در مسئله ارتباط انسان با عقول و بررسی نقش گردش افلاک در تکامل نفس و جسم انسان.

ب: بررسی رابطه متقابل انسان با موجودات هم عرض و مادون خود (موجودات عالم ماده) مانند بررسی تأثیر و تأثر نفس و جسم انسان از انسان‌های دیگر و از حیوانات و گیاهان و اشیاء.

۲-۱: پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

در رابطه با این موضوع برخی در قالب کتاب، مقاله و پایان نامه به بعد خاصی از انسان پرداخته‌اند مانند پایان نامه اثبات نفس و عقل از نظر ابن سینا از محمدعلی هرنندی زاده، ارتباط نفس و بدن از دیدگاه ابن سینا از وحیده حداد و مقالاتی چون: سعادت و شقاوت در حیات جاودان از نگاه ابن سینا نوشته حمیدرضا خادمی، نوآوری‌های ابن سینا در علم النفس از سید محمد علی دیباچی، نفس شناسی ابن سینا از رضا اکبریان و کتبی چون: النفس البشریه عند ابن سینا از نادر البیرنصری، متافیزیک ابن سینا از روبرت وینوسکی و... اما اثر مستقلی با جامعیت مورد نظر رساله کنونی مشاهده نشد.

۳-۱: اهداف تحقیق

۱. فلسفه آفرینش و آغاز و انجام و مراحل حیات انسان از نگاه ابن سینا.
۲. روابط انسان با دیگر موجودات جهان از دیدگاه ابن سینا (موجودات مافوق یعنی خدا، عقول، افلاک، موجودات هم عرض و ما دون یعنی موجودات عالم ماده).
۳. ابعاد وجودی و نقص و کمال انسان در ابعاد مختلفش از نگاه ابن سینا.
۴. دست یافتن به اصول و مبانی‌ای که انسان شناسی ابن سینا بر آن استوار است.

۴-۱: اهمیت و ارزش تحقیق

سال‌هاست که انسان شناسی در برخی از سرزمین‌ها، محور اصلی تحقیقات قرار گرفته است و هنوز سؤال‌های بی‌پاسخ در این زمینه فراوانند. انسان، به اقتضای انسان بودنش، نیاز به شناخته شدن دارد. برای برطرف شدن نیازهای مادی، رفاه بیشتر و نیز آرامش روحی و معنوی و درک حقیقت. چرا که افراد، مبتنی بر دید خود نسبت به انسان و جایگاه و سایر ابعادش، به زندگی خود جهت می‌دهند. انسان خود را هر گونه بشناسد، مسیر زندگی، اخلاق و رفتار و کردار و کلاً، تمام شئون زندگی خود را بر اساس آن پیش می‌برد.

۵-۱: کاربرد نتایج تحقیق

نتایج این تحقیق در مراکز انتشارات علمی به کار برده خواهد شد.

۶-۱: فرضیات و پرسش‌ها

۱. فلسفه آفرینش، از دیدگاه ابن سینا چگونه توجیه می‌شود؟
۲. روابط انسان با موجودات مافوق و مادون خود چگونه است؟
۳. ابن سینا ابعاد وجودی انسان را چگونه می‌داند؟
۴. ابن سینا در انسان شناسی خود بر چه مبانی‌ای تکیه کرده است؟

۷-۱: روش تحقیق و مراحل آن

در این تحقیق از روش توصیفی با تکیه بر تحلیل محتوا استفاده شده است.

۸-۱: کلید واژه

۱. انسان‌شناسی (Anthropology): شناخت حقیقت و واقعیت انسان، در مفهومی گسترده و عام است که از طریق دانش‌ها و معرفت‌های متعدد متنوع با روش‌ها و غایت‌هایی که مورد نظر دارند، صورت می‌پذیرد. (رضازاده، ۱۳۷۹، ص ۸۴-۸۸).
۲. نفس انسانی (Soul): نفس انسانی، کمال اول برای جسم طبیعی آلی است از آن جهت که به اختیار عقل، افعالش را انجام می‌دهد و آراء کلی را استنباط و صناعات را اختراع می‌کند و معقولات کلی را در می‌یابد. (ابن سینا، ۱۳۷۱ ق (الف)، ص ۱۳)
۳. ابن سینا (Avicenna): ابوعلی حسین عبدالله بن سینا (۴۲۸-۲۷۰ ق؛ ۱۰۳۷-۹۸۰ م)، بزرگ‌ترین فیلسوف مشائی و پزشک نامدار ایرانی در جهان اسلام. (دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۱)

۹-۱: مقدمه

اختلافات و تفاوت‌های موجودات جهان، اختلاف‌هایی ذاتی است و بنابراین هر یک به اقتضای مرتبه وجودی از دیگران متمایز می‌شوند. برخی دارای مرتبه و جایگاه والایی هستند و برخی دیگر از مرتبه پایین‌تری برخوردارند. در این میان، انسان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چنان که خداوند پس از آفرینش آن، خود را احسن الخالقین و بهترین آفرینندگان خطاب نمود و از آنجایی که عشق و اجبار قابل جمع نیستند انسان، تنها مخلوق مختار عاشق خالق هستی، خلیفه خدا و تنها لایق عرضه امانت الهی و دمیدن روح خدا است چرا که بر خلاف سایر ممکنات از ماهیت و مرتبه وجودی خاصی برخوردار نیست و هویت خاص و مرتبه وجودی ثابتی ندارد و به همین دلیل است که با همه تعریف و تمجید و مراتب والایی که برای او وصف می‌شود گاه در قرآن از او به "ظلم کفار"، "عجول"، "کفور"، "خصیم مبین" و "کنود" نام برده می‌شود. این مخلوق خاص از چنان ابعاد وسیع و عمیقی برخوردار است که علوم مختلف برای شناخت آن کمر همت بسته‌اند تا از ویژگی‌های او - هر چند اندک - آگاهی یابند تا جایی که هر چه بیشتر در مورد آن تحقیق می‌شود، مسائل و مجهولات بیشتری در مورد او نمایان می‌گردد به همین سبب هنوز ناگفته‌های بسیاری در مورد این مخلوق شگفت‌انگیز خداوند باقی است. به عبارت دیگر مسئله معرفت انسان به ذات خود یکی از عمده‌ترین مسائل فکری تاریخ است که همیشه ذهن و اندیشه آدمی را به خود مشغول کرده است. هر فلسفه

ای در تاریخ قسمت عظیمی از نظریات خود را صرف کرده است تا بیشتر به حقیقت و طبیعت انسانی آگاهی یابد و با این وجود هنوز پس از قرن‌ها این مسئله بی جواب مانده است.

هر یک از متفکران بنا بر مشرب فکری خود که گرایشی به فلسفه و حکمت و یا عرفان و دین داشته‌اند به گونه‌ای انسان و جلوه‌های اندیشه و اخلاق و رفتار او را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و شیوه‌هایی را برای سوق دادن آدمی به سعادت به کار گرفته‌اند. تفاوت نگرش‌ها در شناخت انسان باعث می‌شود نظریه‌های علمی متفاوتی در حوزه دانش‌های انسانی به وجود آید. از آنچه بیان کردیم می‌توان دریافت که در شناخت انسان به عنوان پدیده‌ای همسان با سایر پدیده‌ها رو به رو نیستیم بلکه با موجودی معمایی و ابهام آمیز مواجهیم که با تلاش‌های عملی متداول نمی‌توان به آسانی به حقیقت او پی برد. دعوت به شناخت این موجود پنهان و پیچیده از اصیل‌ترین تعالیم بسیاری از ادیان و مکاتب فلسفی و عرفانی است. در تعالیم ادیان آسمانی به ویژه اسلام، پس از مسئله خدا، انسان محوری‌ترین مسئله به شمار آمده و آفرینش جهان، فرستادن پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی برای رسیدن او به سعادت نهایی‌اش صورت گرفته است.

انسان شناسی به معنای عام، به چهار مشرب عمده تقسیم می‌شود که عبارتند از: انسان شناسی فلسفی، انسان شناسی دینی، انسان شناسی تجربی و انسان شناسی عرفانی. هر کدام از مشرب‌ها خود تقسیمات جزئی‌تری دارند که پرداختن به آن از مبحث ما خارج است. در انسان شناسی تجربی یا علمی انسان با روش تجربی مورد بررسی قرار می‌گیرد. انسان شناسی شهودی یا عرفانی از راه علم حضوری به بحث و بررسی و معرفی انسان می‌پردازد و نحوه دستیابی انسان به کمال را بررسی می‌کند و شامل عرفان نظری و عملی می‌شود. انسان شناسی دینی، شناخت انسان بر اساس متون دینی یا همان کتاب و سنت یا روش نقلی است. انسان شناسی فلسفی به دنبال شناخت ماهیت انسان به صورت قضیه حقیقه شامل همه زمان‌ها و با تکیه بر روش عقلی است و از آن رو که انسان شناسی فلسفی همانند سایر مقولات فلسفی مانند جهان شناسی، کیفیت پیدایش جهان، مبدأ شناسی و معاد شناسی (به معنای لغوی) از مسائل علم فلسفه می‌باشد، قاعدتاً همان روش تحقیق در باب انسان شناسی نیز معتبر است، با این تفاوت که دغدغه خاطر در آن بر شناخت ساختار، ممیزه‌ها، مؤلفه‌های منطقی وجود آدمی، ابعاد انسان، سعادت و کمال او و مانند آن متمرکز می‌شود. بنابراین، انسان شناسی فلسفی مجموعه کاوش‌های عقلی فلسفی در حوزه شناخت دقیق‌تر انسان است.

علاوه بر این انسان شناسی فلسفی در پی درک و تبیین مفهوم ماهیت و ذات انسان، ساختار بنیادین وجود او و رسیدن به واقعیت و حقیقت هستی انسان است. در فلسفه مشاء به عنوان فلسفه‌ای عقلی - استدلالی که در آن ابزار داوری علم منطق، داور صرفاً دلالت‌های عقل بدیهی و نحوه استدلال ارجاع نظریات بر بدیهیات در موضوع موجود بما هم موجود می‌باشد نیز فیلسوفان اسلامی با توجه فراوان به شناخت انسان یا همان انسان شناسی پرداخته‌اند. نماینده تام این مکتب فلسفی که اصالت یونانی داشته و بن مایه‌های آن مکتب فلسفی ارسطو می‌باشد، ابوعلی حسین بن عبد الله بن سینا، مشهور به ابوعلی سینا و ابن سینا و پور سینا، پزشک و یکی از مشهورترین و تأثیرگذارترین فیلسوف-

دانشمندان ایران است که در سال ۳۵۹ - ۳۷۰ هجری - در روستایی در حوالی بخارا چشم بر جهان گشود و در سال ۴۱۶ در همدان در گذشت. پدرش عبد الله از اهالی بلخ و مادرش ستاره از اهالی روستای افشانه بود. وی ۴۵۰ کتاب در زمینه‌های گوناگون نوشته است که شمار زیادی از آنها در زمینه پزشکی و فلسفه است که در این میان ۱۳۱ نوشته اصیل و ۱۱۱ اثر منسوب به او است. به دلیل آنکه در آن عصر، عربی زبان رایج آثار علمی بود، ابن سینا اکثر کتاب‌های خود را به زبان عربی نوشته است مانند کتاب *الشفاء، القانون فی الطب، الارصاد الکلیه، الانصاف، النجاه، الاشارات و التنبيهات، لسان العرب فی اللغة، الادویة القلییه، بعض الحکمة المشرقیه، المبدأ و المعاد و رسائلی چون: رساله القضاء و القدر، رساله فی الآلة الرصدیه، رساله فی الحدود، رساله فی الاجرام السماویة، الاشارة فی علم المنطق، اقسام الحکمه، النهایه، عهد کتبه لنفسه، حی بن یقطان، فی ان ابعاد الجسم ذاتیه له، عیون الحکمه*. افزون بر این، وی آثاری هم به فارسی نگاشته است. بیش از ۲۰ اثر فارسی به او منسوب است که از میان آنها، بی گمان دانشنامه علائی و رگ شناسی (رساله نبض) از نوشته‌های او است. آثار فارسی ابن سینا، مانند سایر نثرهای علمی زمان وی، با رعایت ایجاز و اختصار کامل نوشته شده است.

شیخ‌الرئیس علاوه بر آثار خود شاگردان دانشمند و کارآمدی مانند ابو عبید جوزجانی، ابوالحسن بهمنیار، ابو منصور طاهر اصفهانی و ابو عبدالله محمد بن احمد المعصومی را که هر یک از ناموران روزگار گشتند تربیت نمود، که هر کدام دانشمند بزرگی در زمان خود شدند.

با تفحص در آثار ابن سینا می‌توان دریافت که او به هیچ وجه از انسان شناسی غافل نبوده و در اکثر آثارش به نحوی به آن پرداخته است. نفس، بدن، آغاز حیات انسان، مرگ و معاد، حیات این جهانی انسانی و اموری نظیر اینها را می‌توان به عنوان کلیدواژه‌های انسان شناسی او دانست. وی در آثار خود هم به انسان شناسی عرفانی پرداخته است و هم به انسان شناسی فلسفی. تفاوت میان این دو گونه انسان شناسی وی فقط در نحوه بیان است؛ انسان شناسی فلسفی او با بیان و اصطلاحات فلسفی و انسان شناسی عرفانی وی بایبانی رمزی و استعاری و داستانی ارائه گردیده است.

در فلسفه ابن سینا بیش از هر چیز پیرو ارسطوست و وی را امام حکیمان و دستور و آموزگار فیلسوفان می‌نامد اما این پیروی از او تعصب آمیز و کورکورانه نیست. ابن سینا، گاه به گاه و اینجا و آنجا در ساختار تفکر مشائی نوآوری می‌کند و نکات مبهم تفکر ارسطو را روشن می‌کند، به ویژه به تفصیل می‌پردازد و گاه بر آن می‌افزاید. بر همین اساس نظام فلسفی ابن سینا، در کل آن، نظامی است عقل‌گرایانه (راسیونالیست)، که زیر ساخت آن پیش از هر چیز ارسطویی است، که جا به جا با عناصر بینش نو افلاطونی درهم آمیخته است. در هستی شناسی او، همه موجودات یکسان از مفهوم «هستی» برخوردار نیستند، بلکه برخی در این معنی سزاوارتر و شایسته‌تر از دیگرانند. بدینسان موجودات در مراتبی قرار دارند. سیمای هستی در نظام فلسفی ابن سینا یک نظام طولی و سلسله مراتبی است که بر اصول فلسفی متأثر از طبیعیات قدیم مبتنی است. در نظام فلسفی ابن سینا جهان هستی و نظام آن از علم مبدئی واجب

بدون قصد و غایتی خارج از ذات، فیضان یافته است و در طی قوس نزول موجودات وجود یافته‌اند و در قوس صعود به سوی کمال پیش می‌روند.

ابن سینا در بحث‌های علم النفس از همه منابع موجود اعم از آرای یونان، باورها و آموزه های دینی، تصوف و عرفان و آرای فلاسفه اسلامی (کندی و فارابی) بهره گرفته است و با تمام احترامی که برای ارسطو قائل است حقیقت را بیش تر از او دوست می‌دارد و خویشتر را در ارسطو زندانی نمی‌کند. نه تنها ارسطو را معیار حقیقت و فلسفه و نظام فکری اش را حقیقت مطلق نمی‌داند بلکه به ایستایی واداشتنِ پویش عقلی را در حد ارسطو مردود می‌شمرد و مسلک او را نقدپذیر می‌یابد. از این روست که با نوآوری‌هایش راه خود را از ارسطو جدا می‌کند؛ مانند تقسیم وجود به واجب ممکن و ممتنع، فرق بین وجود و ماهیت، بقاء نفس، نگاه متفاوت به مسئله مادی یا مادی نبودن نفس و نسبت آن با جسم، بقا یا عدم فنای نفس پس از بدن، به ضمیمه نوآوری‌های او در مباحثی چون اثبات وجود نفس، ماهیت ذهن، ادراکات حسی، حس باطن، قوای عقلی، تعامل و تغایر نفس و بدن، خود آگاهی انسان، نسبت عقل فعال با عقل انسانی، مسائل فراوان علم نبوات و رابطه آنها با ماهیت و کارکرد نفس و نیز ده‌ها مسئله دیگر، باعث شد تا او نفس شناسی را جدا از مجموعه علوم طبیعیات به طور مستقل مطالعه کند و در حقیقت، علم النفس را از نو، بر پایه های متفاوت با دیدگاه ارسطو، بنیان نهد و تدوین نماید

ابن سینا در تبیین ماهیت انسان، نقطه امتیازش از دیگر حیوانات را در نفس ناطقه انسانی می‌داند و خواص و آثار و صفاتی را برای انسان بر می‌شمرد که همه ناشی از نفس ناطقه اوست. منتها نفس ناطقه در برخی از آثار و خواص محتاج به بدن است و با مشارکت آن انجام می‌دهد و آن امور، افعال و انفعالات انسان است و در برخی دیگر از آثار و امور، بی نیاز از مشارکت بدن است و از مجرد ذاتش صادر می‌شود و آن امر، ادراک معانی کلیه است. شیخ چندین رساله به طور مستقل با موضوعیت نفس تدوین نموده است که **رساله نفس و رساله احوال نفس** از آن جمله‌اند و علاوه بر این در دیگر آثارش بخش‌هایی را به نفس اختصاص داده است مانند **نمط سوم الاشارات و تنبیهات**، بخشی از **طبیعیات شفا**، بخش‌هایی از **قانون**. وی نفس را روحانیه الحدوث و روحانیه البقا می‌داند که با آغاز حیات این جهانی تعلق تدبیری نسبت به بدن پیدا می‌کند، دارای قوای مختلفی است و به وسیله این قوا و بدن به سوی کمال شایسته خود پیش می‌رود. **رساله جودیه و ارجوزه فی الطب** به درمان بیماری‌های مختلف بدن اختصاص دارند. در **قانون** به صورت مفصل درباره بدن، مزاج و بیماری‌ها و راه درمان آنها سخن گفته شده است و در **شفا و نجات** نیز در جای خود از بدن و ارتباط آن با نفس مباحثی وجود دارد.

چگونگی آغاز حیات انسانی در آثار مختلف او مطرح شده است. **قصیده عینیه** شرحی است از نحوه آغاز حیات انسان که شیخ آن را به صورت منظوم بیان می‌کند که البته این اثر همراه با چندین اثر دیگر از جمله رسائل تمثیلی - عرفانی از نوعی اعتقاد شیخ بر قدم نفس حکایت می‌کنند اما در آثار دیگری چون **الهیات شفا و الاشارات و التنبیهات** شیخ علاوه بر انکار نظریه مثل که حاکی از قدم نفس است، بر حدوث نفس تاکید می‌کند.

مرگ به عنوان آخرین مرحله از حیات این جهانی انسان و معاد به عنوان مرحله ای جدید پس از حیات دنیوی نیز مورد توجه شیخ بوده است. رساله الاضحویه با موضوعیت معاد نگارش یافته و در آثاری نظیر شفا و نجات و مبدأ و معاد نیز فصولی به این موضوع اختصاص دارد.

فلسفه سیاسی با بررسی حیات و جامعه شناسی و انسان شناسی اجتماعی، در پی آن است تا بنیاد روابط سیاسی انسان‌ها را تحلیل کند و از زندگی سیاسی، چهره ای معقول و سنجیده ارائه کند. فیلسوف سیاسی در نظام خردورزانه فراگیر و در تکاپوی نظری می‌کوشد تا ماهیت انسان و پدیده های اجتماعی را تبیین و تفسیر کند. تحلیل از زندگی سیاسی، نظم اجتماعی، محدودیت یا نامحدودی قدرت، منبع مشروعیت، وظایف حکومت، جامعه مطلوب و نامطلوب و اهداف آن جوامع، در حوزه انسان شناسی فلسفه سیاسی است. به عبارت دیگر انسان‌شناسی با ورود به حوزه سیاست، ضمن جست‌وجوی راهی برای رسیدن به گوهر بنیادین انسان، در پی آن است تا نوع پیوند انسان با جامعه پیرامون و قدرت حاکم را بررسی کند. رساله السیاسه یکی از آثار شیخ است که به زندگی اجتماعی انسان و در واقع به نحوی به حیات این جهانی انسان و تعامل او با دیگر انسان‌ها اختصاص دارد و شیخ در آثار دیگری نیز نظیر الهیات شفا مبحث نبوت و امامت را که مرتبط با این مسئله است مطرح می‌کند.

ابن سینا در انسان شناسی عرفانی خود برخی از مطالب را به بیانی رمزی و داستانی و تمثیلی بیان می‌دارد و مطالب فلسفی پیرامون نفس و قوای نفس انسان، قوای بدنی و حیوانی انسان، خواهش‌های حیوانی، عقل فعال و ... را در قالب نمادها و تمثیل‌ها تبیین می‌نماید.

در این پژوهش ما بر آن شدیم تا با بیرون کشیدن ابعاد و زوایای مختلف انسان و زندگی‌اش از آثار شیخ به انسان شناسی از منظر او پردازیم. فصل اول را به کلیات پژوهش اختصاص داده‌ایم و در فصل دوم به دو بعد وجودی انسان یعنی نفس و بدن و روابط و تأثیر و تأثر آنها پرداخته‌ایم. فصل سوم شامل مراحل زندگی انسان و نحوه آغاز و پایان آن می‌شود و در فصل چهارم ارتباط انسان با موجودات دیگر را بررسی کرده‌ایم.

فصل دوم: ابعاد وجودی انسان

۱-۲: نفس

۱-۱-۲: جایگاه بحث نفس و انسان شناسی در نظام فلسفی سینوی

نگارش تعداد نزدیک به سی اثر در مباحث انسان شناسی و خصوصاً نفس از سوی ابن سینا (مهدوی، ۱۳۳۲، ص ۳۲۰-۳۰۹) اعم از آثار مستقلی همچون رساله فی القوی النفسانیه و معرفه النفس الناطقه و أحوالها و یا اختصاص دادن فصولی در آثار فلسفی از جمله الشفا، النجات، الاشارات و التنبيهات و دانشنامه علائی و پرداختن به این مبحث در شاهکار طبی اش قانون، همچنین توجه ویژه در آثار عرفانی و تفسیری اش به مسئله انسان، مثبت علاقه وافر شیخ‌الرئیس به این موضوع است. ابراهیم مدکور هیچ‌یک از رجال علمی تاریخ قدیم و میانه را در تعمق و تفکر در مسئله نفس هم پای شیخ نمی‌داند (مدکور، ۱۳۶۰، ص ۱۱۱) و سعید شیخ علم النفس ابن سینا را حاوی شروحنی منظم از انواع مختلف نفوس و قوا و توانایی‌های آنها می‌داند که در آن، نفوس بر حسب سلسله مراتب و بر مبنای روشی خاص طبقه بندی شده‌اند. (شیخ، ۱۳۶۹، ص ۱۳۶) مطابق سخن دکتر سیاسی، ابن سینا در تقسیم بندی علوم، شیوه ارسطویی را به کار می‌برد یعنی ابتدا علوم را به دو شعبه نظری و عملی تقسیم می‌کند و سپس علوم طبیعی و ریاضی و متافیزیکی را تحت عنوان علوم نظری؛ و علم اخلاق و تدبیر منزل و سیاست را تحت عنوان علوم عملی قرار می‌دهد و علم النفس را ذیل علوم فلسفی در شاخه علوم نظری مندرج می‌کند. (سیاسی، ۱۳۳۳، ص ۲۳ و ۲۲)

بوعلی سینا مانند فیلسوفان پیش از خود^۱ نفس را در بخش طبیعیات مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و علت پرداختن به مبحث نفس در حکمت طبیعی را چنین می‌داند که ذات حیوان و نبات از دو چیز مرکب است: نفس که

صورت محسوب می‌شود و جسم که ماده به شمار می‌رود. به خاطر علاقه نفس به بدن جهت تدبیر و تکمیل، موضوع نفس جزء طبیعیات قرار داده شده است؛ یعنی اگر نفس علاقه ای به بدن نداشت گفت و گو از آن ربطی به علوم طبیعی نداشت ولی وجود این علاقه و ارتباط که موجب حرکت بدن است؛ و حرکت هم از امور طبیعی است، سبب شده است که علم نفس جزء طبیعیات به حساب آید. (سیاسی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۲۱ و ۱۲۲)

پیش از ابن سینا، افلاطون در چند مکالمه خود به مسئله روح اشاره کرده است. از نظر او نفس جنبه ای ماورایی از وجود ما است و از امور ویژه ای است که به انسان تعلق دارد. (افلاطون، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵) ارسطو نیز در کتاب **النفس** و تألیفات دیگرش به این مبحث پرداخته است و افلوپین در کتاب **تاسوعات** مباحث علم النفس را مهمل نگذاشته است و از هبوط نفس از عالم علوی و اتصال آن به عالم سفلی و شوق و علاقه نفس به بازگشت بدان عالم که مقرر او است، سخن گفته است. (افلوپین، ۱۹۹۷، ص ۴-۱۰) هم چنین دیگر فلاسفه مسلمان و فلاسفه مسیحی قرون وسطی مخصوصاً آگوستین و توماس اکوئیناس مباحثی کم و بیش نزدیک به هم، در مورد نفس ذکر کرده‌اند اما شوق و شغف هیچ‌یک از اینان در اهتمام به موضوع نفس، به پای شوق و علاقه ابن سینا نمی‌رسد. او از ابتدای جوانی در این باب، کتاب نوشت و سپس در تمام طول عمر هم بارها به این مبحث پرداخت.

از آنچه گذشت چنین حاصل می‌شود که ابن سینا در مسئله علم النفس از یک سو با میراثی که از افلاطون و ارسطو و جالینوس و افلوپین باقی مانده بود، روبه‌رو شد و در مواردی موافق ایشان و در مواد عدیده نیز خلاف رای آنها موضع گیری نمود^۲ و از سوی دیگر، میراث پر ارزشی را برای فلاسفه پس از خود به یادگار گذاشت به نحوی که آثار او در علم النفس، از قرن دهم میلادی تا قرن نوزدهم میلادی به طور ویژه مورد استفاده محققین اروپائی قرار گرفت و در افکار فلاسفه اروپا تأثیر بسزائی به جا نهاد.

۲-۱-۲: تعریف نفس و اقسام آن:

به دلیل نقش اساسی نفس در انسان شناسی ابن سینا ابتدا به تعریف و سپس به بیان خصایص آن می‌پردازیم. ره آوردهای حاصل از شناخت نفس را می‌توان چنین عنوان کرد:

الف: شناخت جایگاه و میزان شرافت وجودی انسان در مقایسه با دیگر موجودات.

ب: شناخت وسیله و عامل راه یابی به معارف و مراتب کمال و سعادت.

ج: شناخت مبدأ هستی از طریق شناخت نفس: من عرف نفسه فقد عرف ربه.

معادل فارسی واژه نفس، جان است که در انسان، حیوان و نبات وجود دارد. ابن سینا به پیروی از ارسطو نفس را این گونه تعریف و تحدید می‌کند: «نفس کمال اول برای جسم طبیعی آلی است». (ابن سینا، ۱۹۸۹، م، ص ۲۴۱)

ارسطو نفس (یا پسخه) را کمال بدن می‌داند. او نفس را علت و اصل بدن موجود زنده دانسته و آن را با سه ویژگی منشأ حرکت، علت غایی و جوهر واقعی اجسام جان دار معرفی می‌کند. (کاپلستون، ۱۳۸۰، ۳۷۴ و ۳۷۳) در نظر ارسطو نفس صورت منطبع در ماده است و از آن جدایی نمی‌پذیرد. نزد او نفس و جسم مکمل یکدیگرند و نفس کمال بدن است و منفصل از آن وجودی ندارد. (گمپرتس، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۵۱) در حالی که بوعلی نفس انسانی را جوهر مستقل از بدن می‌داند. کمال نفس در نظر او پیش از تعلق آن به بدن حاصل بوده و حین مفارقت از بدن نیز کمال تام دارد.

در توضیح عناصر تعریف نفس از منظر ابن سینا باید گفت قید "اول" در تعریف نفس به مثابه مقوم ذات است زیرا امور وجودی دو دسته‌اند یا مقوم ذات یک شی هستند که آنها را کمال اول می‌نامند یا از آثار و افعال آن به حساب می‌آیند که کمال ثانی نامیده می‌شوند؛ به عبارت دیگر کمال بر دو قسم است: کمال اول که نوعیت نوع به آن بستگی دارد، مانند شکل برای شمشیر؛ و کمال دوم که افعال و انفعالاتی است که بعد از حصول نوعیت از شیء صادر می‌شود، مانند بریدن برای شمشیر و تمییز، رؤیت، احساس و حرکت برای انسان. باید دانست که نوع در فعلیتش نیازی به صدور بالفعل آثار ندارد؛ همین مقدار که مبدأ این آثار برای نوع حاصل شده باشد کافی است و با توجه به این که مبدأ خود به فعلیت رسیده است، به طور بالقوه می‌تواند مصدر این آثار شود پس کمال اول مبدأ افعال و آثار است و کمال دوم خود افعال و آثاری است که از مبدأ صادر می‌شود. جسم هم بر دو قسم است که عبارتند از: جسم طبیعی و جسم صناعی. جسم طبیعی هم یا آلی است و یا غیر آلی و نفس کمال اول برای جسم طبیعی آلی است. از جسم طبیعی آلی، یا کمالات ثانیه‌ای که همان افعال و آثار هستند به وسیله آلات صادر می‌شود، یا این که قوه صدور این افعال و آثار برای او به وسیله آلات و ابزار حاصل می‌شود. (ابن سینا، ۱۴۰۴ ق (ج)، ص ۹ و ۱۰) نفس، مربی، سازنده، گرداننده و محرک بدن است و همین امر علت اخذ قید اضافه نسبت به بدن در تعریف نفس است و از آنجایی که حرکت از مباحث علوم طبیعی است فلاسفه مبحث نفس را در علوم طبیعی جا داده‌اند. اگر اضافه مذکور نبود و تنها به گوهر و ذات نفس از آن جهت که مجرد است نظر می‌شد دیگر جا نداشت که در علوم طبیعی از آن گفتگو شود بلکه سزاوار بود که در علم الهی از آن بحث گردد. (ابن سینا، ۱۳۵۲ (الف)، ص ۴)

برای اینکه صورت نوعیه ای نفس نامیده شود یکی از دو شرط را حداقل باید دارا باشد:

اول: افعال آن ارادی باشد اگر چه همواره به یک طریق باشد چنانکه نفس فلکی چنین است.

دوم: افعال آن مختلف باشد هر چند اراده ای در کار نباشد چنانکه نفس نباتی چنین است، البته ممکن است هر دو شرط با هم جمع شود مانند نفس حیوانی که هم افعال گوناگون دارد و هم از روی اراده کار می‌کند.

ابن سینا به چهار نوع نفس قائل است: نفس نباتی، نفس حیوانی، نفس انسانی و نفس فلکی. او بین این نفوس تدریج قائل است. نفس فلکی عام‌ترین نوع نفس است که حرکت دورانی نامحدود خصیصه آن است. نفس نباتی اعم از نفس حیوانی و انسانی است و با امتزاج کامل تر عناصر و ایجاد صفا و تکامل و اعتدال بیشتر بر عناصر دمیده می‌شود و